

آیا این رژیم می‌تواند بر بحران موجود غلبه پیدا کند؟

وضعیت رژیم جمهوری اسلامی بعد از انتخابات مجلس هفتم را چگونه ارزیابی می‌کنید،

آیا این رژیم می‌تواند بر بحران موجود غلبه پیدا کند؟

نشریه پیام: وضعیت رژیم جمهوری اسلامی بعد از انتخابات مجلس هفتم را چگونه ارزیابی می‌کنید،

آیا این رژیم می‌تواند بر بحران موجود غلبه پیدا کند؟

صلاح مازوجی: روشن است بعد از آنکه جناح محافظه‌کار همه مخالفین خود و حتی اصلاح طلبان درون مجلس را نیز از میدان رقابت "انتخاباتی" حذف کرد، و با بکار بردن جعل و تقلب در پروسه "انتخابات" سرانجام توانست کرسی‌های مجلس را نیز بعنوان يك نهاد قانون‌گذاری به تصرف خود در آورد. هرچند مجلس هفتم هنوز رسماً کار خود را آغاز نکرده است، اما با این حساب می‌توان گفت که از این ببعد مراکز قدرت در جمهوری اسلامی هماهنگ‌تر عمل خواهند کرد، البته این خود زمینه ساز سربلند کردن جناح‌بندی جدیدی در جمهوری اسلامی است و اینها بهیچوجه به معنای پایان بحران جمهوری اسلامی نیست. یکدست شدن حاکمیت در نتیجه انتخاباتی که جعل و تقلب بر آن سایه افکنده بود برای رژیمی که حتی بر مبنای قوانین خود می‌باید مشروعیت بخشی از ارگانهای حاکمیت خود را از رای مردم بگیرد نمی‌تواند پایان بخش بحرانی باشد که با آن دست بگریبان است. عناصر پایه‌ای بحران همچنان به قوت خود عمل می‌کنند.

این رژیم اگرچه طی بیش از دو دهه گذشته حاکمیت سرمایه‌داری ایران را با اعمال خونین‌ترین سرکوبها به جامعه تحمیل کرده است اما به دلیل ساختارهای سیاسی، حقوقی و قضائی‌اش هنوز نتوانسته است منافع بخشهای مختلف بورژوازی ایران را به یکسان تامین کند. در چنین شرایطی بخشهای مختلف بورژوازی ایران به حکم تحولات بیش از دو، سه دهه گذشته در جامعه ایران و در سطح بین المللی و به پشتوانه قدرت اقتصادی‌ای که پیدا کرده است، به پیروی از لیبرالیسم در غرب و از موضع ضدیت با انقلاب کارگری و توده‌ای در ایران در تلاش است که جمهوری اسلامی را در جهت منافع خود اصلاح، ویا آن را با رژیم مورد نظر خودشان جایگزین کنند. وجود اپوزیسیون رنگارنگ بورژوائی از سلطنت‌طلب و مشروطه‌خواه گرفته تا جمهوری خواهان لائیک و غیر لائیک و چپ و میانه بیانگر همین واقعیت انکار ناپذیر است.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی نتوانسته است جنبش‌های اجتماعی موجود در جامعه را به کنترل خود در آورد. این رژیم نتوانسته اعتراضات و مبارزه کارگران و توده‌های مردم ایران را به مسیری بیندازد تا در چارچوب قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی خواسته‌هایشان را پیگیری کنند. طبقه کارگر و توده‌های مردم ستمدیده هر روز بیشتر از روز پیش به تجربه در می‌یابند که از اصلاح جمهوری اسلامی که تا دیروز دوم خردادها و اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت و از هم‌اکنون محافظه‌کاران با آهنگی متفاوت ابتکار پیشبرد آن را به دست گرفته‌اند چیزی عایدشان نمی‌شود و راهی جز برپا کردن انقلاب در پیش ندارند. با این وصف روشن است که عناصر اصلی بحران همچنان به قدرت

خود عمل می‌کنند. در این میان رژیم اسلامی از انتخابات مجلس، از بهبود رابطه با دولت‌های غربی و آمریکا و هر فرصت دیگری برای غلبه بر این بحران استفاده می‌کند، تردیدی نیست که اصلاح‌طلبان رانده شده از قدرت و بخش‌های مختلف بورژوازی در اپوزیسیون جمهوری اسلامی را در به بیراهه کشاندن جنبش طبقه کارگر و دیگر جنبش‌های اجتماعی یاری می‌رسانند.

در مورد این سؤال که آیا جمهوری اسلامی میتواند بر بحران موجود غلبه کند، موقعیت طبقه کارگر تعیین کننده است. اگر طبقه کارگر ایران و جنبش سوسیالیستی این طبقه بتواند با فشرده کردن صفوف خود افق‌های خود را بر کل جامعه بگستراند و خود را بعنوان آلتر ناتو تصرف قدرت سیاسی در جامعه جا بیندازد و کل جنبش‌های اجتماعی را از مسیر انقلاب عبور دهد. در این صورت آینده جمهوری اسلامی روشن است و بحران موجود پاسخ سوسیالیستی خود را میگیرد، در غیر اینصورت بورژوازی با بهره گرفتن از تمام فرصت‌ها، امکانات و مواضع استراتژیکی که در اختیار دارد در جهت نجات و تحکیم حاکمیت سرمایه‌داری ایران تلاش‌های تاکتونی خودش را برای اصلاح رژیم اسلامی و یا جایگزینی آن با آلترناتو مطلوب خودش به نتیجه می‌رساند.

نشریه پیام: حذف اصلاح طلبان حکومتی چه تاثیری بر مناسبات رژیم جمهوری اسلامی با غرب بر جای خواهد گذاشت ؟

صلاح مازوجی: جناح محافظه‌کار در چندین سال گذشته هیچگاه مخالف عادی کردن رابطه با قدرتهای غربی و دولت آمریکا نبوده است و اگر گاهی در مقابل تلاش‌های جناح اصلاح طلب برای ایجاد مناسبات تنگاتنگ تر با اروپا و عادی کردن مناسبات با آمریکا، جار و جنجال ضد امریکایی براه انداخته است تنها با این هدف بوده است که نگذارد جناح رقیب از نعمات عادی کردن مناسبات با غرب بهره‌مند شود و سعی کرده که خود ابتکار عمل در این زمینه را به دست بگیرد.

اکنون هم همانطور که در چندین ماه اخیر شاهد بوده ایم جناح محافظه کار تلاش‌های فشرده‌ای را جهت تحکیم مناسباتش با اروپا شروع کرده و طی این مدت مذاکرات و بده و بستانهای پشت پرده با آمریکا مرتباً در جریان بوده است.

اکنون اگر چه ظاهراً پافشاری سران جمهوری اسلامی بر ادامه پروژه دستیابی به انرژی اتمی یکی از منازعات اصلی در مناسبات میان ایران و امریکاست و هر از چند گاهی سران رژیم تهدیدات خود را تکرار می‌کنند. اما در واقع تهدیدات رژیم اسلامی در این زمینه تنها برای امتیاز گرفتن است، جمهوری اسلامی مدتهاست از آرمانهای پان‌اسلامیستی خودش عقب نشسته است، نه خیال حمله اتمی به اسرائیل را در سر می‌پروراند و نه تهدید مواضع استراتژیک آمریکا در منطقه را در دستور دارد.

اکنون عراق بویژه بدنبال تحولات چند ماه اخیر به یکی از کانونهای بحران در مناسبات جمهوری اسلامی و دولت آمریکا تبدیل شده است. جمهوری اسلامی در این رابطه تئوری‌ها و رهنمودهای امیر محیبیان سرمقاله نویس روزنامه رسالت و یکی از متفکران جناح محافظه‌کار را بکار می‌بندد. محیبیان معتقد است که جمهوری اسلامی می‌تواند از تنوع افکار و مراجع مختلف قدرت خود به زیرکانه‌ترین نحو در مناسبات بین‌المللی و در پیشبرد سیاست خارجی بهره بگیرد. برای مثال دولت می‌تواند

بسیار با انعطاف رفتار کند و در چارچوب قوانین بین‌المللی به مانور بپردازد اما مراجع غیر دولتی می‌توانند به نحو دیگری موضع بگیرند. با آگاهی از این تنوری‌هاست که می‌توان منطق تناقضات در مواضع مراجع مختلف قدرت جمهوری اسلامی در قبال وقایع اخیر عراق را دریافت. وزارت خارجه اعلام داشت که ثبات در عراق هم به نفع امریکا و هم به نفع ایران است و ایران آماده است تا به ایجاد ثبات در عراق کمک کند، خامنه‌ای و حوزه علمیه قم با لحن شدید آنچه را جنایات امریکا علیه شیعیان خواندند محکوم کردند و رفسنجانی در نماز جمعه اعلام داشت که نقش ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در منازعات عراق باید به رسمیت شناخته شود. از طرف دیگر همه شواهد حکایت از آن دارد که رژیم ایران در تجهیز و تحریک مقتدا صدر دست دارد. جمهوری اسلامی با بهره گرفتن از نفرت و انزجار شدیدی که از اشغالگری و سیاستهای میلیتاریستی امریکا وجود دارد نه تنها می‌خواهد امریکا را در پیشبرد اهدافش با موانع روبرو کند بلکه همچنین می‌خواهد که مراجع شیعه در عراق را برای اتخاذ موضع محکمتر در قبال امریکا و برای گرفتن امتیازات بیشتر بنفع جریان‌ات ارتجاع مذهبی تحت فشار قرار دهد. استراتژی امریکائیان در برخورد به مقتدا صدر بر مخالفت ایت‌الله سیستانی و دیگر مراجع شیعه با تند روی‌های مقتدا صدر متکی بود، اما نفرت و انزجار از حضور امریکائیان آنقدر وسیع و عمیق است که امریکائیان تا کنون نتوانسته‌اند از این اختلافات بهره‌برداری کنند. در غیاب یک آلترناتیو رادیکال و انقلابی در صحنه سیاسی عراق، جمهوری اسلامی با این مانورها تمام ظرفیت‌های ارتجاعی خود را در جهت تاثیر گذاری بر روند اوضاع در عراق به نمایش می‌گذارد تا بتواند در معاملات پشت پرده از امریکا امتیاز بگیرد. دستگاه دولتی امریکا هم که به انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می‌شود و در این رابطه بیش از هر چیز به آرام کردن عراق نیاز دارد آماده است تا با جمهوری اسلامی کنار بیاید.

دولت‌های اروپایی هم به سیاست دیالوگ انتقادی‌شان یعنی به سیاست حمایت از جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند، در سالهای اخیر مناسبات اقتصادی‌شان را با رژیم ایران گسترش داده‌اند و تا زمانی که آلترناتیو مطلوب مورد نظر آنان در ایران شکل نگیرد دست از حمایت جمهوری اسلامی برنخواهند داشت. بنابراین امید بستن به اینکه قدرتهای غربی جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند توهمی زیانبار است. فشارهای آنان بر رژیم ایران بسیار دقیق و حساب شده است. آنها هیچگاه به نفع انقلاب، جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار نخواهند داد.

نشریه پیام: به نظر شما جمهوری اسلامی در مقابل جنبش‌های اعتراضی چه رویه‌ای را در پیش خواهد گرفت؟

صلاح مازوجی: سیاست رژیم نه تنها در جهت پاسخ دادن به خواستها و مطالبات کارگران و توده‌های محروم جامعه نیست، بلکه در جهت ادغام هر چه بیشتر در بازار جهانی سرمایه و تطبیق دادن کامل خود با برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و نئولیبرالیسم اقتصادی حاکم، فشارهای اقتصادی بر کارگران و اقشار فقیر جامعه را تشدید می‌کند. در دور آینده باز هم شاهد تداوم بیکار سازیها، بستن قراردادهای موقت بجای قراردادهای کار دائم، پایین آوردن دستمزدهای واقعی، زدن از خدمات اجتماعی و سخت‌تر شرایط کار و زندگی کارگران خواهیم بود. اما اینکه جمهوری اسلامی و سرمایه داران ایران تا کی می‌توانند به این تعرض آشکار علیه زندگی کارگران تداوم بخشند، دقیقا به

درجه سازمانیابی کارگران، مبارزه متحدانه و اعتصابات سراسری آنان بستگی دارد ، تنها اعتصابات سراسری کارگران می تواند مانع تداوم این اوضاع دهشتناک گردد، در غیر اینصورت هیچ معجزه‌ای در کار نیست.

این اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی آمیخته با بی حقوقی‌های سیاسی، فردی و اجتماعی يك موقعیت انفجاری را در ایران بوجود آورده است. در این رابطه رژیم محتاطانه رفتار می کند. از يك سو خامنه‌ای و دیگر سران رژیم کارگران را تهدید می‌کنند که نباید اعتصاب کنند، از طرف دیگر در برخورد به اعتراضات شهری بنحوی رفتار می‌کنند که نگذارند آتش خشم و نفرت مردم بیشتر از این شعله بکشد. آشکار است که رژیم نمی‌خواهد سایه نیروهای سرکوبگرش را از سر مردم بردارد، سران رژیم نگران آنند که هرگونه کم کردن فشار از سر مردم موجبات گسترش اعتراضات مردم را فراهم آورد.

اما واقعیت این است که هیچ درجه از زور و فشار رژیم نمی‌تواند درس‌ها و تجاربی را که فعالین جنبش کارگری ، فعالین جنبش زنان و دیگر جنبشهای اجتماعی در جریان مبارزه چندین ساله کسب کرده‌اند را از آنها پس بگیرد. امروز رهبران عملی و فعالین جنبش کارگری به تجربه دریافته‌اند که اصلاح ساختار سیاسی، اداری و حقوقی جمهوری اسلامی هیچ چیزی برای کارگران در بر ندارد و تنها حاکمیت سرمایه داری ایران را برای يك دوره دیگر بر کرده آنان تحکیم می کند، در یافته‌اند که هر گونه بهبود در شرایط کار و زندگی‌شان تنها می تواند نتیجه مبارزه متحدانه خودشان باشد و از اینها مهمتر کارگران نه تنها دریافته‌اند که بدون برپایی تشکل‌های طبقاتی توده‌ای و سراسری خودشان پیشروی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و دستیابی به خواسته‌هایشان ممکن نیست بلکه در مقابل تلاشهای بورژوازی ایران برای ایجاد تشکل‌هایی که بتوانند با اتکا به آن جنبش کارگری را کنترل کنند، مقاومت آگاهانه‌ای را سازمان داده‌اند.

در کردستان که جریان سوسیالیستی در هیئت کومه‌له توانسته افق‌های خود را بر جامعه بگستراند تلاش فعالین کارگری برای ایجاد تشکل‌های طبقاتی خودشان کاملاً محسوس است، برپایی سازمانیافته مراسمهای اول ماه مه، فعالیت برای ایجاد صندوق‌های تعاونی، برپایی نهاد‌های توده‌ای جهت مبارزه با گسترش اعتیاد به مواد مخدر در برخی از محلات شهر سنندج ، حرکت زنان به مناسبت‌های مختلف نشان از آگاهی، تجربه و سطح تشکل آنها دارد، اینها هیچکدام در سنت و فرهنگ سیاسی جریانات بورژوا ناسیونالیست که زمانی به پروژه‌های اصلاح‌طلبان حکومتی دل‌خوش کردند و زمانی دیگر به امریکا امید بستند تا بلکه پروژه مشابه کردستان عراق را در ایران به اجرا در آورد، و اینروزها نیز سرخورده از اصلاح‌طلبان و ناامید از امریکا در جستجوی متحدین سراسری، در میان اپوزیسیون بورژوا لیبرال دست به دامان اکثریت شده‌اند هیچ جایی ندارد. این واقعیات نشانگر آن است که دوره آینده دوره عمیق شدن مبارزه طبقاتی است، دوره گسترش تلاشهای فعالین جنبش‌های اجتماعی برای متحد کردن هر چه بیشتر صف مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق خواسته‌هایشان خواهد بود.

نشریه پیام : آینده انقلاب در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

صلاح مازوجی: در پاسخ به این سؤال شما در مورد آینده انقلاب ایران ، قبل از هر چیز نباید این

را فراموش کنیم که در اینجا صحبت تنها بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی نیست، ما داریم از يك انقلاب کارگری و نقشه‌مند صحبت می‌کنیم، سرنگونی جمهوری اسلامی يك چیز است، بدست گرفتن قدرت سیاسی يك چیز دیگر. اگر از انقلاب کارگری و نقشه‌مند صحبت می‌کنیم یعنی اینکه طبقه کارگر به تشکلهای طبقاتی، توده‌ای و سراسری خود به شوراهاى کارگری و حزب طبقاتی خود با چشمندازهای روشن سوسیالیستی نیاز دارد تا به وسیله آنها با اعتماد بنفس لازم نه تنها جمهوری اسلامی، حکومت بورژواها را سرنگون کند بلکه جای آن حکومت را هم پر کند. طبقه کارگر که به حکم موقعیتی که دارد از همه امتیازهای اجتماعی محروم می‌باشد به هنگام انقلاب فقط روی نیرو و وحدت و یکپارچگی و انسجام سازمانهای خودش و پشتیبانی توده‌های تحت ستم جامعه می‌تواند حساب کند. اگر در گذشته‌های دورتر اینها صرفاً يك پیش‌بینی نظری به شمار می‌رفتند اما بعد از انقلاب اکتبر اکنون حکم يك تجربه تاریخی را پیدا کرده‌اند. انقلاب توده‌ای ۵۷ هم درستی این حکم را بار دیگر به اثبات رساند که کارگران بدون سازمانهای توده‌ای و حزب طبقاتی مستقل خودشان نمی‌توانند انقلاب را به پیروزی برسانند. بنابراین اگر صحبت از انقلاب کارگری و نقشه‌مند است پیشروی و آینده آن در گرو پیشروی جنبش کارگری در زمینه تهیه این ملزومات است و حزب کمونیست ایران هم باید در زمینه ایجاد همین ملزومات سهم خود را ادا کند، سوسیالیزم ایران در تهیه این ملزومات باید تعجیل کند.

اما در موقعیت انفجاری که تحت حاکمیت اسلامی در جامعه ایران بوجود آمده است همواره احتمال يك قیام خودجوش توده‌ای و بدون نقشه از پیشی که به سرنگونی جمهوری اسلامی هم منجر شود وجود دارد، اگر چه قیام خودبخود از چارچوب مناسبات بورژوازی فراتر نمی‌رود اما تردیدی نیست که کمونیستها و سوسیالیستهای کارگری باید در این قیامها فعالانه شرکت کنند تا مهر طبقه کارگر را بر آن بکوبند و طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه را در توازن قوای مناسبتری برای پیشروی‌های آینده قرار دهند، شرکت کمونیستها در جریان انقلاب ۵۷ کمک کرد تا سوسیالیسم در ایران به يك جریان اجتماعی تبدیل شود. اما تا جایی که به فعالیت آگاهانه ما بر می‌گردد ما برای انقلاب کارگری و با نقشه مبارزه می‌کنیم.

سوسیالیسم در ایران يك جریان اجتماعی است، ما يك جریان اجتماعی هستیم و اجتماعی هم فکر میکنیم، نمیتوانیم به جنبشهای اجتماعی موجود در جامعه فرمان ایست بدهیم تا ما آماده انقلاب می‌شویم، اصلاً دینامیسم انقلاب اینطور نیست. انقلاب کارگری و سوسیالیستی بر متن پیشروی گام بگام جنبش طبقه کارگر و دزدل کشمکشهای حاد طبقاتی قوام می‌گیرد، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر برای آنکه بتواند تناسب نیرو را به بنفع خود تغییر دهد باید بتواند جنبش طبقه کارگر و تمام جنبش‌های اجتماعی دیگر را از زیر نفوذ استراتژی و سیاستهای بورژوازی بیرون بکشد و پراتیک بودن راه‌کارها، سیاست و تاکتیک‌های سوسیالیستی را نشان دهد و افق‌های خود را بر جامعه بگستراند. تنها در این صورت است که ما می‌توانیم از شکل‌گیری يك آلترناتیو نیرومند سوسیالیستی صحبت کنیم، آلترناتیوی که تمام توده‌های تحت ستم جامعه رسیدن به آرزوهایشان را در به قدرت رسیدن آن ببینند. با این حساب باز هم تاکید می‌کنم که پیشروی انقلاب در گرو پیشروی طبقه کارگر است.

به نقل از نشریه پیام شماره ۹